

دانلود جزوه رایگان فلسفه تعلیم و تربیت

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

بخشی از جزوه:

گامهاي آموزش هربارت

آماده کردن شاگردان

عرضه کردن درس تازه

سنجیدن آن با درس هاي گذشته و نشان داده بستگی آن ها

یگانه کردن آنها و بیان نتیجه کار به کلی ترین صورت

که از سوي پیروان هر بارت افزوده شده به نشان دادن کاربرد آن است و در مورد هاي جزئی به کلی آموزش به معنی دقیق آن فراهم آوردن زمینه پدید آمدن ایده هاي تازه و پیوند آنهاست به ایده هاي پیشین

آموزش پایه پرورش تربیت است و همه کار آموزش و پرورش برای دست یافتن به هنر اخلاقی است و فقط بر بنیاد چگونگی آموزش است .

فرویل

بنیاد اندیشه او همان نظریه بنیادی روسو و پستالوتسی یعنی اصل است که تربیت باید پیرو طبیعت و مراحل و قانون هاي آن باشد .

ویژگی بنیادی زندگانی فرویل این بود که مدام در خود می اندیشید و خود را می کاوید و خود را تربیت می کرد .

تربیت همانا پرداختن به انسان است چون موجودی که تحول او همان در یافتن خود آگاهی از خود است .

نخستین مرحله آگاهی ، آگاهی به چیز های بیرونی یعنی چیزهایی که کودک را در بر گرفته اند و این مرحله نتیجه واکنش های کودک به اشیاء و اشخاص پیرامون اوست .

دومین مرحله آگاهی خود است و هدف تربیت که رسیدن به خود آگاهی است از راه تماس کودک به جهان واکنش به آن و شناخت آن ممکن می گردد .

نخستین کار مربی پاسخ گسترش روابط کودک با محیط باشد کودک باید زندگی خود را در یک جلوه بیرونی ببیند و بفهمد .

بازی کردن طبیعی ترین راه آگاهی به محیط و آگاهی به خود است زیرا بازی آزاد ترین فعالیتی است و همه هستی کودک چون یک کل در آن جلوه می کند . برای اولین بار کودکان را بر پا کرد .

هدف و مقصد تربیت پروردن طبیعت حقیقی و خدایی انسان و نمایان کردن جنبه ابدی و بی پایان اوست در زندگی انسان را باید هم از آغاز تولد در پرتو این اصل نگریست .

راسل

فلسفه راسل آمیز ای است از فلسفه تجربی انگلستان و اندیشه های منطقی و ریاضی راسل عیب و هنر آدمی را وابسته به تربیت و تربیت را کلید جهان نو میداند از دیدگاه او عیب های آدمیان از تربیت بد بر خاسته اند .

منش خوب از دیدگاه راسل (1 شادابی و سر زندگی 2 جرات یا دلیری 3 حساسیت 4 ) هوش پرورش یافته

اهمیت شادابی در آن است که شوق انسان را به چیزهای گوناگون بر می انگیزد بستگی او از را به محیط می گستراند و زندگی را برای او دلپذیر می کند .

دلیری نخستین گام در این راه رهایی از ترس است و راسل ریشه را در تربیت و برای رهایی از ترس و رسیدن به دلیری دو عامل را لازم می داند(1 احترام به خود و دیگران 2 نگاه غیر شخصی به زندگی

حساسیت از ویژگی های کسی است که انگیزه های گوناگون در او حالتهای عاطفی بر می انگیزد .

یعنی از بزرگترین عیب های اخلاق نیستی کم شمردن هوش است .

راسل سرشت را ماده خاصی می داند که تربیت به آن شکل می دهد و به کاربردن کیفر را نادرست می شمارد و بر فعالیت دانش آموزان تاکید می کند و می گوید با پدید آوردن عادت ها و مهارت های درست می توان غرایز کودک را به راههای درست هدایت کرد .

و باید گذاشت دانش آموز فعال باشد نه منفعل این کارآموزش را از حالت رنج زا به حالت شادابی بدل خواهد کرد.

یاسپرس

کار او روشنگری فلسفی برای بیدار کردن انسان است ایشان بزرگترین عیب آموزش و پرورش امروز را فراموش کردن انسان و ارج او می داند و ایشان اعتقاد دارند انسان بودن انسان شدن است انسان اصیل یگانه است دومی ندارد و به هیچ رو نمی توان او را با دیگری عوض کرد و ایشان شکست را زمینه شکستگی هستی یعنی به خود آمدن می داند .

اما با آنکه انسان اصیل یکتاست و بنیاد ارزش او نه در نسبت با چیزهای دیگر بلکه در خودی و در فردیت اوست ، هستی او در ارتباط و هماهنگی و همدلی شکفته می شود .

آنسو روندگی که در سخنان یاسپرس اشاره به خداست ، اشاره ای به حالت از خود فراتر رفتن آدمی نیز هست . با همین از خود بدر شدن و فرانسوی خود رفتن است که آدمی به مرز بودن و نبودن می رسد و بیدار می شود .

یاسپرس بویژه از سه آزمون فلسفی که زمینه ی بیداری است یاد می کند . این سه آزمون نتیجه ی رو کردن به شناختن حقیقت جهان ، حقیقت خود و خداست ، یاسپرس می گوید : انسان در هر سه آزمون ، با شکست روبرو می شود . اما همین شکست او را از غفلت بدر آورده ، بیدار می کند . از اینرو شکست نه تنها پایان راه نیست بلکه زمینه شگفتی هستی یعنی بخود آمدن است .

روان شناسی که همه چیز را به رفتار بر می گرداند . هیچگاه نمی تواند به « من حقیقی » یا به هستی را یابد ، آنچه می گوید درباره ی وجود تجربی من است ولی هیچگاه به هستی که خاستگاه ناشناخته و نشناختنی کردار من است ، راه نمی برد .

یاسپرس که با توجه به این نکته های بنیادی می نگرد بر آن است که جهان امروز و آموزش و پرورش نو ، انسان را نه چون انسان بلکه چون نیروی تولید کننده و انرژی زنده می بیند و او را تا حد دستگاهی با کنش ها و واکنش های روانی روانی – تنی که می تواند به کمک روان شناسی شناخته شود پایین می آورد و بدین سان او را آماده می کند تا در جامعه هایی که با سلطه نامحدود اداره می شود شخصیت و فرد بودن خود را از دست بدهد چون ماده ی خامی شمرده شود برای بنیاد گذاری آینده ای عظیم که نوید داده شده و از پیش برنامه ریزی شده است .